

قسمت اول

خاطراتی از زنده یاد حاج یداله آمالی

جهانگیر عباسی



خاطره‌های اخلاقی، علمی، فرهنگی حاج یداله آمالی با حکایت‌های تلخ و سختی‌های دوران زندگی و خدمتی نگارنده مطلب یاد بزرگان، یاد فرهیختگان، یاد انسان‌های وارسته، یاد قلوب پاک، یاد موهبت‌های الهی، یاد استادان انسان‌ساز، یاد معلمان دلسوز، یاد انسان‌های بی‌آلایش، می‌خواهد در حد فکر و توان عقلی و مشاهدات عینی، یاد از جوهره وجودی پاک مرحوم حاج یداله آمالی مروج انسانیت علم و معرفت فرهنگ‌ساز که همانند چراغ فروزان باوقار خاص فردی اما در قلوب همه‌جا باز کرده بود قلب و روح پاک یک انسان وارسته از خطه کازرون که همه را مجذوب خود کرده بود.

چند سال در محدوده مسجد موحد و خیابان نهضت همسایه بودیم از وجود مردانه‌اش کسب فیض می‌کردم.

با دیدن‌شان، کمبودهای روحی و روانی‌ام و مشکلات زندگانی‌م جبران می‌شد.

حکایت را از ابتدای جوانی تا سال ۱۳۵۸ و چگونگی آشنا شدن با انسان وارسته حاج یداله آمالی ذیلاً به استحضار می‌رسانم.

اما چون پدر و مادرم خیلی احترام به آقا ملا می‌گذاشتند از طرفی هم چون به‌خوبی خواندن و نوشتن حروف‌ها را یاد گرفته بودم از چنگال آقا ملا برای کتک خوردن و چوب‌فلک کف دوپایم بامحبت‌های پدر و مادرم نسبت به ایشان در امان ماندم.

پدرم بیشتر شب‌ها آن‌ها را برای شام خوردن به خانه‌مان دعوت می‌کرد من از ترس رفتن پشت وسایل منزل‌مان خود را مخفی نمودم که خیلی در دید آقا ملا نباشم.

بعد از شام خوردن گفت: عمو خورشید پسر ت جهانگیر کجا است؟

باز هم ترسیدم صدایم در نیامد.

آقا ملا گفت: پسر ت امروز آمد پیشم گفت پدرم فردا می‌خواهد بروم شهر من هم می‌خواهم همراه او بروم کازرون هرچه لازم دارم روی کاغذ بنویسید در حقیقت کاغذ نداشتیم نپیچ و تشری به او زدم حالا برگ کاغذ در منزل‌تان است تا وسایل آموزشی که لازم پسر ت است بنویسم برایش بخرید؟

پدرم به مادرم مشهدی گل‌صنم گفت: در منزل‌مان کاغذ سراغ نداری؟

مادرم در جوابش گفت: خیر، اما چند برگ کاغذ پاکت سیگار برادرت برای روز مبادا از او گرفتم.

خلاصه دو برگ کاغذ پاکت سیگار آورد به دست پدرم داد و او هم به دست آقا ملا داد.

ایشان هم قلم خودنویس جوهریش را از جیب پیراهنش در آورد هرچه وسایل نوشت‌افزار دانش‌آموزی که لازم داشت روی کاغذ پاکت سیگار نوشت؛ پدرم از آقا ملا اجازه مرا گرفت؛ فردا صبح زود همراه قافله به صوب کازرون حرکت نمودیم.

پس از زحمت و مشقت زیاد در مسیر جاده خراب نزدیک ساعت ۹ صبح به شهر کازرون رسیدیم.

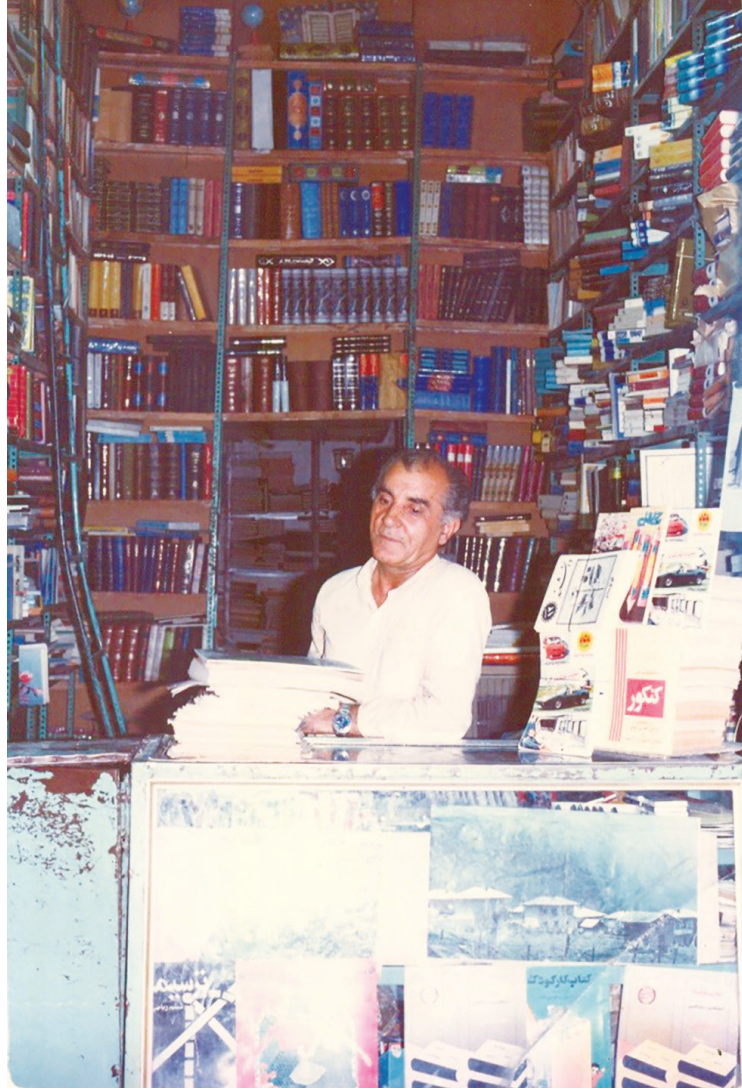
پدرم حاصل دست رنج یک ماهه را در بازار فروخت. بعد دو الاغ‌مان را به‌طرف کاروانسرای ننه یا (مادر) خراسانی که سرشناس بود در محله حوض گنج‌آباد بردیم و آن‌ها را در طولیه بستیم.

به آن‌ها کاه و جو دادیم؛ سپس برای خرید رفته بازار طرف حساب‌وکتاب‌های خریدمان در مغازه حاج سید علی‌اکبر صادقیان و مغازه حاج یداله گلستانی، آقای اولیا، آقای مؤذنی و فیروزکوهی در بازار امام‌زاده ابوالفتح بود حساب‌وکتاب رفتیم و در میدان خیرات هم‌مقداری میوه، سبزیجات و حبوبات خریدیم.

پدرم از مرحوم حاج سید علی‌اکبر صادقیان آدرس کتاب‌فروشی و نوشت‌افزار فروشی گرفت.

ایشان آدرس مغازه آقای یداله آمالی را به پدرم داد، فوراً به‌طرف مغازه کتاب‌فروشی ایشان رفتم تا رسیدیم همراه پدرم با او سلام و علیک کردیم.

پدرم کاغذ پاکت سیگاری که صورت وسایل لازمه رویش نوشته شده بود از جیبش در آورد و به ایشان داد. آقای آمالی به حقیر گفتند:



آقایسر خوب و باادب چه می‌خواهید؟ بنده در جوابش گفتم: آقا صورت دست پدرم است.

آقای آمالی به آرامی، منادت و ادب باینان زیبا فرمود: امیدوارم سلامت باشی پسر، کوشش بکن درس یاد بگیری تا روزی استاد بشوی.

در جوابش گفتم: ان‌شاءالله.

یک‌مرتبه به من گفت: آفرین مرحبا امیدوارم خودت با پدرت عاقبت‌به‌بخیر شوی.

خلاصه از آن زمان چهره عطفوت مهریانی، محبت و بزرگی در جوهره وجودی آقای آمالی نمایان بود ما هم از محضر او کسب فیض نمودیم.

بعداً هم چند مرتبه همراه پدرم به شهر کازرون آمدم و به مغازه آقای آمالی برای خرید کتاب و نوشت‌افزار مراجعه کردم.

هر مشتری که می‌آمد وسایلی لازم داشت می‌خرید و یا پس می‌داد هیچ‌گاه در رخسار ایشان حالت عصبانی بد اخلاقی خارج از وجود انسانی مشاهده نکردیم بسیار مؤدب باوقار، مهربان با فرهنگ بود به‌قول امروزی‌ها با (کلاس بودند) این روحیه، این افتادگی، این وقار معرفت، این فرهنگ وارسته و حالت فرهیختگی آن مرد خدا برای پدرم و من یک گنجینه طلایی لوح بهشتی بود و هیچ‌گاه از نظرم محو نمی‌شود و نخواهد شد.

من جزء بچه‌هایی بودم که در مکتب‌خانه



در آن می‌کردند و دو نفر دو سر آن چوب را می‌گرفتند آقا ملا بر کف پای دانش‌آموز بدبخت با ترکه اناری، بادامی و... کتک مفصلی به او می‌زد درنهایت با دادو فریاد بی‌هوش می‌شد.

من حقیر به علت فضولی و اذیت کردن مورد غضب آقا ملا قرار گرفتم؛ اما چون پدرم مدام او را به منزل‌مان دعوت می‌کرد علاوه بر صرف غذا، نهار یا شام هدایایی هم به او می‌داد؛ خوشبختانه این‌جانب در فراگیری درس و انجام دادن تکالیف زرتنگ بودم، از چنگال غضب‌آلود آقا ملا و کتک خوردن نجات پیدا می‌کردم.

پدرم برای اینکه زودتر و بهتر قرآن خواندن و کتاب‌های حافظ، گلستان سعدی، فلک ناز و شاهنامه فردوسی را یاد بگیرم یک رأس گوساله دوساله به مرحوم حاج نصرالله محمدی هدیه یا (پیشکش) داد که بعد از درس دادن در مکتب‌خانه می‌آمد در منزل‌مان به من درس خصوصی یاد می‌داد.

مانند کلاس‌های تقویتی امروزه، به‌هرحال عملکرد پدرم در محل پیچید که عمو خورشید برای یادگرفتن قرآن مجید و کتاب‌های دیگر پرسش یک رأس گوساله به آقا ملا پیشکش نموده، تعداد نوجوانانی که در مکتب‌خانه مشغول فراگیری درس خواندن بودند حدود هجده نفر بودیم.

در بین آن‌ها حدود هفت نفرمان حافظه فراگیری‌مان از بقیه خیلی بهتر بود. حقیر هم جز این هفت نفر باهوش و زرتنگ بودم آقا ملا ماها را دو قسمت کرد آن‌هایی که درس‌شان بهتر بود روی دوخته نمده فرسوده می‌نشانید بقیه هم روی سه تخته نمده کهنه می‌نشانید، تعداد آقایان مالاها در مدت سه سال که در محل به بچه‌ها درس خواندن نوشتن یاد می‌دادند سه نفر بودند هر کدام یک سال الف) حاج حیدر محمدی گاوکشکی (ب) حاج نصرالله محمدی گرگنایی که هر دو نفر فوق‌الذکر در قید حیات نیستند، روشنان شاد و یادشان گرامی باد و نفر سوم استاد بزرگوار حاج سید حسن موسوی گاوکشکی که بعدها استاد دانشگاه شدند و چند جلد کتاب هم نوشته‌اند و به چاپ رسانده‌اند «امیدوارم که به امر خداوند یکتا سالم و پایدار باشند خداوند حق همه استادان بزرگوار دوران زندگی‌مان را از گردن دیگران مخصوصاً من ناتوان حلال کند» القصه هر وقت مرحوم پدرم برای فروش حاصل دست رنج ماهانه‌اش و خرید مایحتاج زندگی‌مان به کازرون می‌رفت مرا هم برای کمک و آشنا شدن به خریدوفروش همراه خودش می‌برد.

هیچنان برای کمبود وسایل موردنیاز مکتب‌خانه و بچه‌های نوآموز سری به کتاب‌فروشی و نوشت‌افزار فروشی آقای حاج یداله آمالی می‌زدیم.

طبق صورت برای نوآموزان مایحتاج‌شان را خریداری می‌کردیم. آن شخصیت خداجو، فریهخته باوقار انسان‌ساز، فرهنگ مداد، قلم مهربان، کتاب و نوشت‌افزار از قبیل مداد، قلم و نی، مرکب یا جوهر و کاغذ را در کارتنی

ادامه دارد...

کمبود مهر و محبت در زندگی مشترک

محمدعلی مختارزاده، کارشناس حقوق خانواده و عضو شورای حل اختلاف کازرون



یکی دیگر از عواملی که امروزه باعث فاصله و جدایی و طلاق بین زوجین گردیده، کمبود مهر و محبت درون خانواده است، قبل از هر چیز باید توجه داشته باشیم که به وجود آمدن مهر و محبت در محیط خانواده معلول یکسری عوامل است که برخی از آنها از ناحیه زن و برخی از ناحیه مرد است. مثلاً احترام و اهمیت دادن به شوهر، همدلی یا او، توجه به خواسته‌های جنسی شوهر، صداقت و امانت‌داری و گذشت، از جمله اموری است که رعایت آن از جانب زن، می‌تواند در افزودن مهر و محبت در محیط خانواده تأثیر بسزایی داشته باشد. همچنین رفتار مطلوب، تشکر و تشویق کردن از ناحیه مرد هم مکمل این عوامل نیز است و زوجین می‌بایست هر دو با هم این محیط را برای پذیرش یکدیگر آماده کنند.

لذا اگر زن و یا شوهر درون محیط خانواده کمبود مهر و محبت داشته باشند، ممکن است احساس کنند که بیرون از این محیط باید جویا شوند و این در حالی است که کیان خانواده دچار تزلزل شده و همچنین روابط عاطفی بین زوجین را بسیار ضعیف و سرد و بی‌مهر می‌کند؛ و درواقع این کمبود مهر و محبت خطری جدی خواهد بود برای کیان خانواده. گاهی اوقات مشاهده می‌شود که یک محبت کوچک از سوی زن و یا شوهر، از یک اتفاق بزرگ و منفی در زندگی مشترک جلوگیری می‌کند، همچنین باید توجه داشت که برای محبت کردن به همسر راه‌های ساده و زیادی وجود دارد مانند هدیه دادن یک گل، یک کلمه محبت‌آمیز، فرستادن یک پیامک دوست‌دارم و...؛ که می‌توانند تأثیرگذار باشند و درخت محبت را روزبه‌روز بارورتر کنند و کینه‌ها و نفرت‌ها را تبدیل به عشق و علاقه کنند؛ بنابراین با توجه به موارد

فوق‌الذکر و در نتیجه می‌توان گفت: برای جلوگیری از این گونه جدایی‌ها و فاصله‌ها، می‌بایست زوجین ضمن داشتن انتظارات معقول از یکدیگر، مهر و محبت را درون خانواده و از سوی همسر خود تأمین کنند و برای مهر و محبت کردن به یکدیگر وقت بگذارند و تا به فضل خداوند روابط گرم و صمیمی و محیطی مملو از مهر و محبت داشته باشند.

سیستم Night Vision



مهندس مؤذنی، کارشناس مکانیک و برق خودرو

امروزه سرعت پیشرفت تکنولوژی در خودروسازی به‌قدری بالا رفته که اگر خودروی به‌روزی را خریداری کنید، به سال نمی‌کشد که یک نمونه بهتر از خودروی شما به بازار عرضه می‌شود.

یکی از پر سر و صداترین تکنولوژی‌ها در صنعت خودروسازی، سیستم نایت ویژن (Night Vision) یا همان دید در شب است. این سیستم دارای یک دوربین و سیستم مادون‌قرمز است که در شب رانندگی را آسان‌تر می‌سازد.

این سیستم مسیر رانندگی را به شما نشان می‌دهد. به‌طوری‌که جاده را در صفحه‌نمایش یا روی صفحه کیلومتر نشان می‌دهد و اگر جسمی در پیش روی شما قرار داشته باشد به شما اخطار می‌دهد. سیستم دید در شب برای



صفحه‌نمایشی که خودرو دارد نمایش داده می‌شود، در بعضی از خودروها مانند مرسدس بنز در قسمت صفحه کیلومتر نمایش داده می‌شود و برخی دیگر از خودروها جاده را برای راننده در قسمت هدآپ دیسپلی شبیه‌سازی می‌کند.

به کمک سیستم نایت ویژن می‌توانید به‌راحتی در مسیرهایی که نور و چراغی ندارد، تردد کنید. این سیستم تا چند متر جلوتر را به کمک مادون‌قرمز در صفحه‌نمایش خودرو به شما نشان می‌دهد. این تکنولوژی باعث کاهش چشمگیر تصادفات جاده‌ای در شب شده است.